



روزی که مجلس سنای ایران استقلال بحرین را به رسمیت شناخت

سرزمین بحرین هزاران سال بخشی از خاک ایران بود و همچنان بخش مهمی از مردم آن ایرانی‌الاصل هستند و فرهنگ و زبان و سنت‌های ایرانی و فارسی را می‌توان در میان آنان مشاهده کرد.

سرزمین بحرین هزاران سال بخشی از خاک ایران بود و همچنان بخش مهمی از مردم آن ایرانی‌الاصل هستند و فرهنگ و زبان و سنت‌های ایرانی و فارسی را می‌توان در میان آنان مشاهده کرد.

مجله مهر: ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۹ پس از یک کشاکش بی حاصل، با تصویب استقلال بحرین در مجلس سنا، همه چیز تمام شد و حکومت شاهنشاهی نتوانست در برابر جدایی بحرین از ایران ایستادگی کند. در زمان حاکمیت قاجاریان، دولت انگلیس با دستمایه نبود نیروی دریایی در ایران، حفظ امنیت خلیج فارس و بحرین را بر اساس قراردادی به عهده گرفت. پس از این بحرین عملاً تحت حاکمیت ایران نبود، اما با این حال استقلال رسمی هم نداشت. **مجلس سنای ایران، جایی که در آن رای به جدایی بحرین از ایران تصویب شد** در این میان دولت ایران در زمان محمدرضا شاه پهلوی دست‌کم ۲ بار تلاش کرد حاکمیت ایران بر بحرین را تثبیت کند. اولین بار اسفند ۱۳۲۹ بود که در لایحه ملی کردن صنعت نفت ایران، شرکت نفت بحرین هم گنجانده شد. در آبان ۱۳۳۶ نیز هیأت وزیران در لایحه‌ای کشور را از نظر اداره سیاسی به ۱۴ استان تقسیم کرد و بحرین هم استان چهاردهم خوانده شد. **جرقه اول، خروج انگلستان از خلیج فارس** سرانجام انگلیس در سال ۱۳۴۷ پس از ۱۵۰ سال تصمیم به خروج از خلیج فارس گرفت و برای تحکیم منافع منطقه‌ای خود، طرح تشکیل اتحادیه‌ای متشکل از قطر، بحرین و هفت امیرنشین خلیج فارس را ارائه کرد. دولت ایران که خروج انگلستان از خلیج فارس را به معنای بازپس‌گیری بحرین می‌دانست، به این طرح اعتراض کرد. **تیتتر معروفی که البته دوام چندانی نداشت و با تصمیم عجیب شاه و مجلس سنا واقعیت نیافتار** دشیر زاهدی وزیر خارجه وقت ایران گفت: ایجاد چیزی به نام فدراسیون امارات خلیج فارس با شرکت جزایر بحرین از دیدگاه ایران مطلقاً قابل قبول نیست. محمدرضا شاه هم اعلام کرد: «ایجاد این فدراسیون چیزی جز یک اقدام استعماری و امپریالیستی و تلاش برای بازگشت انگلیس به منطقه از در پشتی نیست. شاه هشدار داد که در صورت لزوم برای حفظ منافع تاریخی و حقوق سرزمینی خود، قدرتمندانه اقدام خواهد کرد. اما به رغم جدیت شاه در سخنان نقل شده، این آخرین برخورد قدرتمندانه او بود. شاه پس از این سخنان با حمایت جدی عربستان، انگلستان و برخی دولت‌های دیگر از استقلال بحرین مواجه شد، و «منافع تاریخی و حقوق سرزمینی» را به فراموشی سپرد. **من دن کیشوت نیست** محمدرضا پهلوی علاوه بر آنکه دست از ادعای مالکیت بحرین برداشت، توجیهاتی نیز برای کم‌کاری در بازپس‌گیری حاکمیت بحرین مطرح می‌کرد. شاه برای توجیه این عقب‌نشینی سیاسی بزرگ و نابخشودنی خود، در ۲ آبان ۱۳۴۷ موافقت‌نامه‌ای با دولت عربستان امضا کرد و پس از آن بود که شاه در یک مصاحبه مطبوعاتی در «دهلی نو» در ۱۴ دی ۱۳۴۷ گفت: «اگر مردم بحرین خواهان پیوستن به کشورم نباشند، ایران از ادعاهای سرزمینی‌اش نسبت به این جزیره خلیج فارس دست خواهد کشید و خواست ساکنان آنجا را مشروط بر آنکه مورد شناسایی بین‌المللی قرار گیرد، می‌پذیرد.» امیر خسرو افشار قائم مقام وزارت خارجه و مسئول مذاکره با دولت انگلستان، موضع‌گیری جدید شاه را نتیجه «توصیه‌های رییس اینتلیجنت سرویس انگلیس در تهران» دانسته و این احتمال را مطرح کرده که شاید عقب‌نشینی به‌ت‌آور شاه در پی توافق با دولت انگلستان در تثبیت مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه ایوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک اتخاذ شده است. شاه ضعیف که برای ایستادن در برابر انگلستان و وارد کردن نیروی نظامی برای دفاع از تمامیت ارضی ایران را نداشت، در ۲۴ دی ۱۳۴۸ در جمع کارکنان وزارت امور خارجه با تاکید بر تسلط ۱۵۰ ساله انگلیس بر بحرین گفت: «انگلیس این جزیره را به ایران پس نخواهد داد و من نمی‌توانم چون دن کیشوت رفتار کنم.» **توجیهات شاه در برابر عقب‌نشینی بزرگ‌تر** خاطرات اسدالله علم هم بخش‌هایی از توجیهات پیاپی شاه نقل شده است که گفته است: «اکثریت ساکنان آن جزیره عرب هستند و به زبان عربی سخن می‌گویند. به لحاظ اقتصادی مجمع‌الجزایر بحرین دیگر اهمیت ندارند، زیرا نفت آنجا تمام شده و صید مروارید نیز صرفه اقتصادی ندارد.» محمدرضا پهلوی برای توجیه عقب‌نشینی نابخشودنی خود و خارج کردن بحرین از خاک ایران اضافه کرده است: «از نظر اهمیت استراتژیکی و سوق‌الجیشی با وجود تسلط ایران بر تنگه هرمز آن جزایر ارزشی ندارد، از جهت امنیتی هم حفظ آن سرزمین پرهزینه و مستلزم استقرار یکی دو لشکر در آنجاست.» **خیلی‌ها چرخش عجیب محمدرضا پهلوی و پایان مقاومت او در برابر استقلال بحرین را با توصیه‌های مقامات سازمان جاسوسی انگلستان مرتبط می‌دانند** آخرین توجیه محمدرضا پهلوی برای عدم دفاع از تمامیت ارضی ایران، این است: «من اهل این نیستم که به زور حضور لشکر یک جایی را ضمیمه خاک خود کنم.» این اظهارات شاه در حالی است که با وجود دعاوی عراق درباره «شط العرب»، توانست با پشتیبانی جت‌های جنگنده نیروی هوایی، کشتی ابن سینا را از اروندرود وارد خلیج فارس کند و مالکیت اروندرود را تثبیت کند. **شاه ساده دل یا شاهنشاه ترسو؟** با این حال برخی از تاریخ‌نگاران معتقدند شاه بر اساس تحلیل‌هایی خوشبینانه درباره مردم بحرین دست به اینگونه سخنان زده است. چرا که او گفته بود به خواست مردم بحرین احترام می‌گذارد و اگر آنها نخواهند، اصراری به مالکیت بر بحرین نخواهد داشت. این تاریخ‌نگاران می‌گویند تصور شاه این بود که برای کسب نظر مردم بحرین، همه‌پرسی برگزار خواهد شد و مردم بحرین که بیش از ۶۰ درصد شیعه‌مذهب هستند، ادامه تابعیت ایران را بر استقلال در پناه شیوخ دست‌نشانده انگلستان ترجیح می‌دهند. اما حتی اگر شاه بر اساس چنین تحلیل‌هایی دست به چنان رفتاری زده باشد، هیچ چیز آنگونه که شاه گمان می‌کرد پیش نرفت. هیئتی از سوی سازمان ملل برای کسب نظر مردم انتخاب شد و این هیئت بدون برگزاری همه‌پرسی به ارائه گزارشی پرداخت که واضح است نظرات بخش‌های مهمی از مردم بحرین را نادیده گرفته است. سرانجام ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۹، استقلال بحرین در شورای امنیتی سازمان ملل مورد تایید قرار گرفت. ۲۴ اردیبهشت، مجلس شورای ملی با مخالفت تنها ۴ نماینده عضو حزب پان‌ایرانیست به رهبری محسن پزشکی‌پور، جدایی بحرین را تایید کرد. در ۲۸ اردیبهشت نیز با رأی همه ۶۰ نماینده مجلس سنا، آخرین گام برای جدا شدن استان چهاردهم ایران برداشته شد. اسدالله علم در خاطرات خود چنین نوشته است: «گوینده رادیو ایران خبر جدایی بحرین را چنان با افتخار خواند که گویی هم‌اکنون بحرین را فتح کرده‌ایم.» **گزارش از: حسن اجرایی**